



- (۱) با جدیت نبرد را آغاز کردند  
 (۲) ک: تدرس (اغراق)  
 (۳) ک: به هدفشان (غلبه بر دیگری) نرسیدند  
 (۴) نپردی کم نظیر  
 (۵) نگاه خشمگین علی، شکست عمرو را قطعی کرد  
 (x) ترسیم شدت نبرد

عمرو برای بار دوم مبارز می طلبد. پیامبر از لشکر می پرسد که چه کسی حاضر است با عمرو بجنگد؟ لیکن جز علی علیه السلام کسی اعلام آمادگی نمی کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی هشدار می دهد که او عمرو است. علی علیه السلام جواب می دهد: «من هم علی بن ابی طالبم و پس از گفت و گوهای بسیار، از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نبرد می گیرد. در میدان نبرد، عمرو از جنگ با علی امتناع می کند؛ با این بهانه که نمی خواهم به دست من کشته شوی، اما علی علیه السلام در پاسخ می گوید: «ریختن خون تو برای من از ملک روی زمین بهتر است.»: عمرو این بار خشمگینانه از اسب پایین می آید و:

در مقابلش ایستاد  
 به پیشش برآمد شه جنگ جو  
 (در صلح بستند بر روی هم)  
 (x) بود سگمین جنگ شیر و پلنگ  
 (برافراخت بازو چو شاخ درخت) جمله  
 (علم کرد شمیر آن اژدها)  
 (بخایید دندان به دندان کین): خشم  
 به هم حمله کردند باز از دو سو  
 (۴) که کم دیده باشد زمین و زمان مجاز از مردم  
 (x) تن هر دو شد از نظر ناپدید  
 سر و روی مردان پراز گرد و خاک  
 (دفع حمله)  
 (ز هم رد نمودند هفتاد حرب\*) (مجاز از جمله)  
 ننگ یم قدرت حق، علی

به سوی هژر ژیان کرد رو  
 ۱۰ دویدند از کین دل سوی هم  
 (۲) فلک باخت از ستم آن جنگ، رنگ  
 نخت آن سیه روز و برگشته بخت عمرو  
 "..... نادرست است" پسر بر سر آورد شیر اله  
 آمادگی برای انجام کاری (بیشتر و چون کوه پا بر زمین)  
 ۱۵ چو نمود زخ شامد آرزو  
 مجاز از نبرد نهادند آوردگامی چنان  
 در غبار جنگ ..... شدند (ز بس گرد از آن رزمه برودمید  
 زره نخت و قبا چاک چاک  
 (چنین آن دو ماهر در آداب ضرب\*)  
 ۲۰ شجاع غصنفر وصی نبی

چنان دید بر روی دشمن ز خشم  
برافراخت پس دست خیمبرگشا<sup>تلمیح</sup>  
به نام خدای جهان آفرین  
چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ  
۲۵) پرید از رخ کفر<sup>ک: ترس</sup> در هند رنگ،  
غصنفر<sup>.....</sup> بزد تیغ بر گردش  
دم تیغ بر گردش چون رسید  
چو غلتید در خاک آن<sup>.....</sup> (ژنده\* فیل)  
ک: کشته شد

۵) که شد ساخته کارشش از زهر چشم  
پی سر بریدن بیشتر د پاد<sup>مصمم شد</sup>  
بمبداخت شمیر را شاه دین<sup>.....</sup>  
به سر کوفت شیطان دو دست دریغ<sup>ک: درماندگی</sup>  
تپیدند<sup>.....</sup> بت خانها در فرنگ<sup>(۳)</sup>  
در آورد از پای، بی سر تنش<sup>ک: کشت</sup>  
سر عمرو صد گام از تن پرید (قدرت علی  
بزد بوسه بر دست او، جبرئیل) تقدس عمل علی  
ک: نخستین

حملة حیدری، باذل مشهدی

۱۱۷- مفهوم کدام بیت با سه بیت دیگر هم‌نوا نیست؟

- (۱) بی‌بید کاین مهتر آهرمن است / جهان آفرین را به دل دشمن است
- (۲) آلود شاه دامن خود با خون / اندود زر چهره خود با مس
- (۳) خاتمی کو از ازل نام سلیمان نقش داشت / بایدش دیدن کنون در دست اهریمن، دریغ
- (۴) آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

۱۱۸- در کدام گزینه فعلی از نوع فعل پایانی عبارت «امیر گفت: پیغامی است سوی بونصر در بابی تا داده آید.» به کار نرفته است؟

- (۱) چنینم نوشته بد اختر به سر / که من کشته کردم به دست پدر
- (۲) بزرگا گر خطایی کرده آمد / مگیر از من اگر باشد بزرگ آن
- (۳) بسی یاد نام نکو رانده شد / بسی دفتر باستان خوانده شد
- (۴) فرق شاهی و بندگی برخاست / چون قضای نبشته آمد پیش

۱۱۹- در کدام عبارات غلط املایی یافت می‌شود؟

- (الف) پادشاه اسرار خویش بر این نسق عزیز و مستور داشت.
- (ب) این صواب می‌نماید که کارهای بزرگ به دست مردان خوار سپرده نشود.
- (ج) دمنه گفت: عن قریب مطالب مذبور را به عرض شما خواهم رساند.
- (د) حکم ایزدی عین صواب است و در آن سهو و ذلت و خطا صورت نیندد.

(۱) الف، د (۲) ج، د (۳) الف، ب (۴) ب، ج

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

۱ معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

■ اسب (.....)

■ اجازه (.....)

■ شیر (.....)

۲ چهار واژه مهم املائی از متن درس انتخاب کنید و بنویسید.

۳ در بیت ششم، گروه‌های اسمی و هسته هر یک را مشخص کنید.

### قلمرو ادبی

۱ در متن درس، دو نمونه «استعاره» بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۲ مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

■ دندان به دندان خاییدن (.....)

■ رنگ باختن (.....)

۳ دو نمونه از کاربرد آرایه «اغراق» در متن درس بیابید.

۱۲۱- انتساب کدام اثر به پدید آورنده آن، «غلط» است؟

(۱) تذکرة الاولیا: عطار نیشابوری

(۲) مرصاد العباد: نجم‌الدین رازی

(۳) عباس میرزا آغازگری تنها: مجید واعظی

(۴) غزلیات شمس: شمس تبریزی



۱۲۲- کدام گروه کلمه فاقد «غلط املائی» است؟

- (۱) جیب و یقه، چابک و فرض، ادبار و اقبال  
(۲) حلاوت و شیرینی، محبوب و مستور، صعب و سخت  
(۳) فارغ و آسوده شدن، مطرب و نوازنده، مغرون و همراه  
(۴) حلال بی‌شبهت، روضه و گلزار، غراضه و خرده زر

۱۲۳- در متن زیر، چند غلط املائی یافت می‌شود؟

«چون رغبت مردمان از مطالعت کتب تازی قاسر گشته است و آن حکم و مواعظ، مهجور مانده بود، بر خاطر گذشت که آن را ترجمه کرده آید و در بسط سخن و کشف اشارات آن اشیاعی رود و بر این نمت افتتاح کرده شد و هر معنی که از حلیت حکمت اصلی محتمل باشد، به هیچ تکلف جمال نگیرد.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

## قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت ششم را به نثر روان بنویسید. M } .....: جنگ  
.....: تقدیر

۲ پیام ابیات زیر را بنویسید.

چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ  
به سر کوفت شیطان دودستِ دریغ  
پرید از رخ کفر در هند رنگ  
تپیدند بت خانه‌ها در فرنگ

۳ داستان زیر را که از مثنوی مولوی انتخاب شده است، به لحاظ محتوا با درس مقایسه کنید.

شیر حق را دان منزه از دغل = کید و نیرنگ (گاهی حيله گری)  
زود شمشیری بر آورد و شتافت  
افتخار هر نبی و هر ولی  
کرد او اندر غزایش کاهلی <sup>سستی</sup> (از جنگ دست کشید)  
وز نمودن عفو و رحم بی محل = بی مورد  
از چه افکندی (مرا بگذاشتی؟) ← رهایم کردی  
بنده حقم نه مأمور تنم  
فعل من بردین من باشد گوا

از علی آموز اخلاص عمل  
در غزای بر پهلوانی دست یافت M = عمرو  
او خندو انداخت در روی علی  
فوراً در زمان انداخت شمشیر آن علی <sup>کنار گذاشت</sup>  
گشت حیران آن مبارز زین عمل <sup>عمرو</sup>  
گفت بر من تیغ تیز افراشتی  
گفت: من تیغ از پی حق می‌زنم  
شیر حقم نیستم شیر هوا  
نفس

۴

۱۲۴- کدام بیت به شیوه بلاغی سروده شده است؟

- (۱) نادره کبکی به جمال تمام  
(۲) در پی‌اش قصه در آن مرغزار  
(۳) عاقبت از خامی خود سوخته  
(۴) هم حرکاتش متناسب به هم
- شاهد آن روضه فیروزه فام  
رفت بر این قاعده روزی سه چار  
رهروی کبک نیاموخته  
هم خطواتش متقارب به هم

۱۲۵- در بیت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

«گرت زد دست بر آید چو نخل باش کریم»

ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»

(۱) نهاد، مسند

(۲) مضاف‌الیه، نهاد، متمم

(۳) مضاف‌الیه، متمم، مسند

(۴) نهاد، متمم، مسند

## شعر خوانی و وطن

استعاره از پهلوانان و دلیران

در اینجا ..... و .....

میاهات به ریشه و اصلت

جانفشانی در راه میهن

۱- منم پور ایران و نام آورم

۲- کرم جان خود را فدای وطن

دفاع از وطن، کیش فرزانگی است

از روی پلیدی و بد طینتی کسی کز بدی، دشمن میهن است

(سر بلندی انسان در ..... - مرا اوج عزت در افلاک توست)

وطن رقم می‌خورد)

پایداری تا آخرین ..... در راه حفظ میهن

ز نیروی شیران بود گوهرم)

که با او چنین است پیمان من

گذشتن ز جان، رسم مردانگی است

به یزدان، که بدتر از اهریمن است

(به چنان من کیمیا خاک توست)

به خون من آن ذره آغشته باد]

نظام وفا

میهن

۱۲۶- در کدام بیت جمله مرکب (غیر ساده) دیده نمی‌شود؟

۱) ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر ' کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

۲) گویاترم ز بلبل اما ز رشک عام \* مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

۳) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر \* کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

۴) والله که شهر بی تو مرا حبس می‌شود \* آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

## درک و دریافت

۱ دربارهٔ لحن و آهنگ خوانش این سروده توضیح دهید.

۲ یکی از بیت‌ها را به دلخواه انتخاب کنید و پیام کلی آن را بنویسید.